

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران
Tel: 00491635112025
E-mail: moasangaran@googlemail.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

ایسکرا

۵۹۳

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: عبدال گلپریان

۲۷ مهر ۱۳۹۰، ۱۹ اکتبر ۲۰۱۱

چهارشنبه ها منتشر میشود

آزادایخواهی بوشیستی ناسیونالیسم کرد



ناصر اصغری

است. در دفاع از این بیانیه و گلابیه های دوستانه بعضی از دوستان این حزب، ناصر ایرانیپور بسیار حق بجانب، مطلبی نوشته که از حمایت ناتو در "آزادسازی کردستان" دفاع کرده است. او در بخشی از مطلبش صفحه ۳

هر بار که بخواهم از کلمه "ناسیونالیسم" برای آن جماعتی که در کردستان ایران به این اسم شناخته شده اند استفاده کنم، زجر می کشم. پائین تر توضیح می دهم. بدنبال بمباران نیروهای قذافی از طرف نیروهای ناتو، حزب دمکرات کردستان، آن یخش که با خالد عزیزی شناخته شده است، بیانیه ای تحت عنوان "گردها حق دارند خواستار حمایت بین المللی گردند" صادر کرد. در این بیانیه از بمباران لیبی توسط آمریکا و فرانسه و غیره حمایت شده و بطور ضمنی خواهان آزادی به همان شیوه برای کردها در هر چهار کشور ترکیه، ایران، عراق و سوریه شده

تفاوتی بین ترور مشعل تمو و زردشت عثمان نیست در حاشیه پیام نچیروان بارزانی



عبدال گلپریان

نچیروان بارزانی جانشین رهبر حزب دمکرات کردستان عراق پیرامون، ترور "مشعل تمو"، فعال

سیاسی در کردستان سوریه که توسط ماموران حکومت بشار اسد انجام گرفته بود می گوید: "غم و اندوه خود را در رابطه با ترور مشعل تمو ابراز و صدای خود را در کنار صدای هر یک از مناطق کردستان قرار داده و پشتیبانی خود را از دوستانمان در کردستان سوریه اعلام می داریم."

از چند ماه گذشته و در جریان انقلاب مردم سوریه برای بریز

صفحه ۲

در حمایت از کارگران زندانی مصاحبه ایسکرا با فرامرز قربانی



نشریه معرفی کنید؟

مدیره کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری بودم. علوه بر اینها دو دوره نیز بازرس انجمن برق و فلز کارکرمانشاه و در مراکز کارگری همچون پتروشیمیهای عسلویه کرمانشاه و ارومیه و

فرامرز قربانی: من فرامرز قربانی هستم که قبل ازاینکه از ایران خارج شوم سه دوره عضو هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران بودم و دو دوره هم عضو هیئت

ایسکرا: باسلام به شما فرامرز قربانی لطفا خود را به خوانندگان

صفحه ۴

محمد جراحی آزاد شد، برای شاهرخ زمانی وثیقه ۲۰۰ میلیون تومان تعیین شده است



را به او، به خانواده اش، به کمیته پیگیری و همه همکارانش و به همه انسانهای آزادیخواه تبریک میگویم.

بنا بر خبر منتشر شده دیگری جانیمان اسلامی در قبال آزادی شاهرخ زمانی از زندان مبلغ دوست میلیون وثیقه تعیین کرده اند و بدلیل اینکه وی امکان تامین این پول را نداشته است، همچنان در زندان بسر میبرد. تعیین وثیقه برای زندانیان سیاسی نه تنها فشاری است بر روی آنها و خانواده هایشان، بلکه به معنی بازگذاشتن پرونده آنان و

بنا به خبر منتشر شده از سوی کمیته حمایت از شاهرخ زمانی محمد جراحی کارگر اخراجی عسلویه و از اعضای کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل های کارگری روز ۱۱ مهر ۹۰ پس از ۱۱۷ روز در قبال وثیقه ۱۰۰ میلیون تومان از زندان آزاد شد. آزادی محمد جراحی

صفحه ۲

"لیست استالین" در تعریف از ملت / منصور حکمت

صفحه ۵

اخبار هفته

- سقوط یک کارگر ساختمانی ۱۵ ساله از طبقه سوم یک ساختمان در سنندج صفحه ۳
- بازداشت و بیخبری از وضعیت چند فعال سیاسی صفحه ۳
- ابلاغ حکم اعدام دو زندانی سیاسی در کردستان صفحه ۴
- بر اثر تیراندا ماموران سپاه پاسداران دو نفر از کارگران مرزی زخمی شدند صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ تفاوتی بین ترور مشعل...

علیه مردم کردستان عراق هستند، در مورد حرکت میلیونها نفر مردم ناراضی در سوریه علیه بشار اسد سخنی از زبانشان جاری شود. اما با ترور مشعل تمو فعال سیاسی در کردستان سوریه توسط تروریستهای حکومت بشار اسد که بزعم بارزانی گویا چون او از خطه کردستان سوریه بوده، یکی از سران طایفه بارزانی در راس این حزب لازم دیده است که نسبت به این مسئله از خود واکنشی نشان دهد.

کم نبودند فعالین سیاسی و روزنامه نگارانی همچون مشعل تمو که توسط دارو دسته عشیره بارزانی و طالبانی در کردستان عراق ترور شدند. در سال ۹۴ کمونیستهای خوشنامی چون بکر علی و شاپور قابیل را ترور کردند. چند سال پیش یک روزنامه نگار بنام سوران مامه حمه را ترور کردند. برادر سوران مامه حمه هنگامی که پیگیر پرونده ترور برادرش بود مورد حمله آدمکشان حکومت محلی کردستان عراق قرار گرفت. سال گذشته زردشت عثمان روزنامه نگار و فعال سیاسی اجتماعی در پی افشای فسادکاریهای عشیره بارزانی توسط کانگسترهای این عشیره با شلیک گلوله به دانش او را ترور کرده و جنازه اش را در شهر موصل رها کردند.

اگر مشعل تمو یک فعال سیاسی در کردستان سوریه بود و علیه حکومت بشار اسد مبارزه میکرد و سرانجام توسط آدمکشان اسد ترور شد، بکر علی، شاپور، سوران مامه حمه، زردشت عثمان و دهها فعال سیاسی دیگر توسط تفنگچیان احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان عراق و به دستور مستقیم امثال نچيروان بارزانی ترور شدند. مسئول مستقیم ترور این شخصیتها بشار اسد بارزانی و طالبانی هستند.

مردم شهرهای کردستان سوریه برای پیام جاننشین رئیس حکومت محلی کردستان عراق در ابراز "همدردی و همبستگی اش" آنها نه با مردم سوریه بلکه حتی در رابطه با ترور مشعل تمو تره هم خورد نخواهند کرد. این پیام بیشتر از هر چیزی به یک جوك شبیه است. این پیام تنها یک چیز را در خود نهفته

دارد و آنها هم عوامفریبی سران حکومت محلی کردستان عراق است. این پیام يك ریاکاری بتمام معنا از سوی سران حکومتی است که دستا نشان تا آرنج در خون جوانان شهر سلیمانیه و دیگر شهرهای کردستان عراق آلوده است.

سران حکومت محلی کردستان عراق نمی توانند با صدور يك پیام مسخره از زیر بار ترورهایی که توسط باندهای اطلاعاتی خود در کردستان عراق در طول حاکمیتشان علیه فعالین سیاسی و کمونیستها صورت گرفته است شانه خالی کنند، برای خود اعتبار و وجه کسب کنند و تروریسم دولتی خود را لاپوشالی کنند. اهداف سیاسی و مبارزاتی امثال مشعل تمو و مردم شهرهای کردستان سوریه هیچ گونه تفاوتی با مبارزات و حرکتهای هر روزه خیابانی مردم در تمام شهرهای سوریه و برای سرنگون ساختن حکومت مادام العمر بشار اسد ندارد. در قلب انقلابات اخیر در کشورهای عربی و شمال آفریقا نمی توان با چنین ریاکاریهایی برای جریانات اسلامی و ناسیونالیسم کرد لانه ای ساخت. حرکت انقلابی مردم در این کشورها در تقابل با اسلام سیاسی، در تقابل با ناسیونالیسم و در راستای اعتراض و مبارزات برحق مردم در شهرهای کردستان عراق است که پنج ماه قبل توسط حاکمان محلی در کردستان عراق توسط عشیره بارزانی و طالبانی بخاک و خون کشیده شد.

نچيروان بارزانی فکر می کند که با دادن چنین پیامهایی می تواند مبارزه و انقلاب مردم در شهرهای کردستان سوریه علیه کل حاکمیت را از مبارزه و انقلاب سراسری مردم این کشور قیچی کند و تروریسم حکومت و باند و عشیره بارزانی علیه فعالین سیاسی و روزنامه نگاران در کردستان عراق را پرده پوشی کند. مردم شهرهای کردستان سوریه بیش از بیست سال است که حاکمیت عشایر بارزانی و طالبانی را از نزدیک دیده اند، ناظر و شاهد اعمال وحشیانه ای بوده و هستند که حکومت بارزانی و طالبانی بر سر مردم حق طلب شهرهای کردستان عراق آورده اند. این را دیده و شنیده اند که طایفه بارزانی و طالبانی

چگونه در مدت زمان حاکمیت خود همچون بشار اسد با مردم شهرهای کردستان عراق رفتار کرده اند.

قطعا مردم شهرهای کردستان سوریه و در همگامی با مردم انقلابی در تمامی شهرهای سوریه با سرنگون ساختن حکومت اسد، به چیزی جز يك حکومت شایسته انسان امروز رضایت نخواهند داد. با این پیامهای آبرو باخته نمی توان جریانات دست ساز و هم مسلک را به تحرک وا داشت. این مبارزات در جهت پایین کشیدن حکومتهای دیکتاتور و ضد مردمی نظیر کانگسترهای بارزانی و طالبانی است، علیه دیکتاتورها و حکومتهای فاسدی است که زندگی مردم را تباہ کرده اند.

مردم انقلابی سوریه همان خواست و مطالباتی را فریاد می زنند که پنج ماه قبل مردم و جوانان شهر سلیمانیه و دیگر شهرهای کردستان عراق آنرا فریاد می زدند. سران و کاربدستان حکومت محلی کردستان عراق در پنج شش ماه اخیر خود نیز همچون حکومت بشار اسد به جان مردم و جوانانی افتادند که خواستار عدالت اجتماعی و یک زندگی انسانی بودند. حکومت محلی کردستان عراق نشان داد که کارنامه این حکومت نیز در کشتار جوانان شهرهای کردستان عراق دستکمی از جنایات دولت و حکومت بشار اسد و همچنین حکومت جمهوری اسلامی ندارد. پیام سران عشیره بارزانی در "ابراز همدردی" با ترور مشعل تمو پوچ تر از آنست که کسی آنرا جدی بگیرد.

مردم در کردستان سوریه فراموش نخواهند کرد که نچيروان بارزانی و دیگر سران این عشیره برای گرفتن رهنمودهای سرکوبگرانه توسط جانین اسلامی، مدام در سفر بین اربیل و تهران بودند، فراموش نخواهند کرد که ماموران امنیتی حکومت محلی کردستان عراق چگونه در میدان آزادی سلیمانیه، رانیه، اربیل، موصل و دیگر میادین شهرهای کردستان عراق به سوی مردم و جوانان به شیوه ماموران بشار اسد تیراندازی میکردند. در

از صفحه ۱ محمد جراحی آزاد شد...

نگاهدداشتن چماق احضار و دستگیری بر روی سر آنها است. شاهرخ زمانی و همه زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط از زندان آزاد شوند.

محمد جراحی در ۳۰ خرداد ۱۳۹۰ (۲۰ ژوئن ۲۰۱۱) و شاهرخ زمانی در تبریز دستگیر شدند و در تاریخ ۲۷ شهریور (۱۸ اوت) به اتهاماتی چون تبلیغ و فعالیت علیه نظام به ترتیب به ۵ سال و ۱۱ سال زندان محکوم

کمین برای آزادی کارگران زندانی ۲۵ مهر ۱۳۹۰ ۱۷ اکتبر ۲۰۱۱

Shahla daneshfar@yahoo.com
Bahram.Soroush@gmail.com

سوسیالیسم راه نجات ما است!

۳۱ سال است از زندگی ما گذشته اند. اقلیتی مفتخور میلیاردی شده اند و اکثریت کارگر و زحمتکش سفره هایشان تماماً خالی شده است. سالها است شمارمان کرده اند و هر وقت نخواسته اند ما را به خیابان رها کرده اند. ثروت های مملکت را قشر کوچکی بالا کشیده اند و ما را از هست و نیست ساقط کرده اند.

سپاه و بسیج و اطلاعات و نیروی انتظامی و مسلح درست کرده اند و هر وقت اعتراض کرده ایم آنها را به جان ما انداخته اند. دادگاه و زندان ساخته اند و ما را به جرم اعتصاب و اعتراض، به زندان و شلاق و جریمه های سنگین محکوم کرده اند.

گله آخوند تربیت کرده اند که خرافه رواج بدهند تا ما به همین زندگی جهنمی رضایت بدهیم. رسانه هایشان مدام دروغ میگویند و وعده های توخالی میدهند. سعی میکنند مردم را از کمونیسم و کمونیست ها بترسانند تا سرمایه داری را حفظ کنند و ثروت خود را افزایش دهند.

گولشان را نخوریم، ارا حیف شان را باور نکنیم. تا سرمایه داری و دولت سرمایه داران سر کار است، سهم ما از زندگی همین است. راهی جز سوسیالیسم برای پایان دادن به سرمایه داری و فقر و نابرابری و بیکاری و زندان و شلاق و شکنجه نداریم. یا سرمایه داری و حکومت دزدان اسلامی یا سوسیالیسم و رفاه و آزادی.

مرگ بر سرمایه داری و دولت دزد سرمایه داران!
زنده باد سوسیالیسم!
زنده باد حزب کمونیست کارگری!

دنیای واقعی شخصیتهایی چون مشعل تمو، بکر علی، سوران مامه حمه، زردشت عثمان و دهها و صدها فعال سیاسی و محبوب دیگر که توسط حکومتهای محلی کردستان عراق و دولت بشار اسد ترور شده و بقتل رسیدند، همگی در تلاش برای سرنگونی حکومت و حاکمان فاسدی چون طالبانی، اسد و بارزانی بودند. نچيروان بارزانی بجای دادن پیامهای عوامفریبانه باید فکری بحال خود و حکومتش بکنند.

۱۸ اکتبر ۲۰۱۱

کمونیسم کارگری یک جنبش وسیع است. صرفاً ساختمانی در سلیمانیه نیست. نوبت ما و مردم است. دوران حکومت طوایف و دارودسته های مسلح وابسته به دولتهای متفرقه در کردستان به سر رسیده است.

منصور حکمت

از صفحه ۱ آزادایخواهی بوشیستی...

می نویسد: "در چند کشور دیگر، حمله غرب و ناتو به دیکتاتوری انجامیده است؟ در آلمان؟ در ژاپن؟ در یوگسلاوی؟ دوستان عزیز، این مائیم که باید شما را فراخوانیم تا ابهامات موجود در ارتباط با اندیشه‌ی ضدامپریالیستی و ضدامریکایی ضددمکراتیک احتمالی خود را برطرف نمائید. قصد من نقد این موضع نیست. اینها خودشان گفته اند که جلوی نیروهای ناتو برای اشغال کشورهای دیگر راه می افتند. قصد همدار به تمام آن کسانی است که به این جریانات هنوز مثل جریاناتی سیاه که شب و روز برای حمله نظامی و بمباران به ایران رجزخوانی می کنند، برخورد نمی کنند.

اما واقعیت این است که ناسیونالیسم کرد حداقل در ایران، با هر جز و مدی در دوری و نزدیکی نیروهای ناتو در حمله و دوستی به دولتهای منطقه، افسرده و یا خوشحال شده اند. آنچه را که یکی از این احزاب و گروهها دیروز گفته است، امروز بی صاحب مانده است. سیاست و تاکتیکهایشان را با وحشی گری فرماندهان نیروهای ناتو تنظیم می کنند. ناصر ایرانپور در همان نوشته در باره عراق می گوید: "سرنوشت عراق هنوز معلوم نیست، لذا نمی توان در مورد آن چنین حکمی داد. به هر حال تصور نمی کنم که تازه هیچ نظام دیکتاتوری چون حکومت صدام بتواند بر آن مستولی یابد. مضاف بر اینکه، کردستان عراق زیر چکمه های صدام چیزی برای از دست دادن نداشت. به هر حال آنچه که امروز ما شاهد آنیم، هر چه باشد، رضایت بخش نیز نباشد، دیکتاتوری نیست." ملا عبدالله

حسن زاده، رهبر فکری و معنوی جریان ناصر ایرانپور اما در باره عراق در مورد جریان رقیب خود، حزب دمکرات کردستان بخش مصطفی هجری، می گوید: "بدا به احوال کسی که از کشوری خارجی بخواهد که وطنش را برایش اشغال کند و حکومتش را تغییر دهد! ... من هر روز عراق را می بینم و هرگز حاضر نیستم که چنین بلایی سر کشورم بیاید و ایران به چنین حال و روزی مانند عراق بیافتد! ... الان هم من برای دفاع از سرنوشت

مستله ابا این نیست که کسی بخواهد مثلاً به دست درازی نیروهای ارتش دولت ترکیه، دولت سوریه و حکومت اسلامی اعتراض بکند که کردستان عراق را بمباران می کنند. بلکه مسئله این است که قومپرستان کرد می خواهند از این بمباران استفاده کنند و مثل باززانی و طالبانی به نان و نوائی برسند. مسئله ابا دفاع از مردم کردزبان نیست؛ چرا که در همین یک سال گذشته حکومت عشیره باززانی و حکومت اقلیم کردستان، کم آزادیها و اعتراض به نداری را سرکوب نکرده اند. کسانی که در امن ترین جاها نشسته و خواهان حمله نیروهای ناتو به ایران و ترکیه و سوریه هستند، پیشیزی ارزش برای جان هیچ کرد و غیرکردی بقول خودشان در هیچکدام از چهار پارچه از کردستان قائل نیستند و در محاسباتشان ابا دربدری و کشته شدن هزاران هزار زن و کودک و پیر و جوان را منظور نمی کنند.

اما به نظر من یک نگرانی دیگر را هم باید ملحوظ داشت. کسی که از بوش و اوباما بخواهد برایش با بمب افکن حکومتی دست و پا کند، خود با بمب و مسلسل به جان حداقل غیرکرد روستای بغل دستی خواهد افتاد. در کردستان ایران که چپ قوی بود، جلوی این خوابهای وحشتناک حزب دمکرات کردستان را گرفت. در جامعه ای که چپ ضعیف باشد و جنبشی قوی در مقابل قومپرستی قرار نگیرد، خالد عزیززی و ناصر ایرانپور می توانند سازماندهندگان قتل عامهای بعدی باشند. این موضوع را باید جدی گرفت و هشدار باشد به هر کسی که بخشی از نیروهای سیاه در این جامعه نیستند.

۱۷ اکتبر ۲۰۱۱



هات برده فرکانس: ۱۱۶۰۴
اف ای سی: ۵/۶ شبکه KBC
بلایزاسون: افقی
اسمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اخبار هفته

کار در یکی از سخت ترین و پر مخاطره ترین کارها میشود برای کیوان جعفری آرزوی بهبودی میکند.

سقوط یک کارگر ساختمانی ۱۵ ساله از طبقه سوم یک ساختمان در سنندج

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، دیروز شنبه ۲۳ مهر ماه یک کارگر نوجوان ساختمانی ۱۵ ساله ای به نام کیوان جعفری در حین کار از طبقه سوم ساختمانی در محله بردشت سنندج سقوط کرد و از ناحیه سر و صورت بشدت مصدوم شد و یکی از پاهای وی از دو ناحیه دچار شکستگی گردید.

همکاران این کارگر بلافاصله پس از سقوط کیوان، وی را به بیمارستان بعثت در سنندج منتقل و همانجا وی را برای مداوا بستری کردند. این کارگر نوجوان همچون میلیونها کارگر ساختمانی در سراسر ایران از هیچگونه بیمه خدمات درمانی برخوردار نبود.

سقوط از ارتفاع در کار ساختمانی که اغلب به جان باختن کارگران و یا به وارد شدن صدمات جبران ناپذیر بر آنان منجر میشود ناشی از عدم فراهم کردن وسایل ایمنی کار در ارتفاع توسط کارفرمایان است با این حال زمانی که کارگران ساختمانی دچار سوانح ناشی از کار میشوند کارفرمایان در این زمینه مسئولیتی بعهدده نمی گیرند. کارگران ساختمانی در اغلب شهرهای کشور در حالی با دستمزد روزانه ۱۷-۱۸ هزار تومانی مشغول بکارند که این رشته از کار، سانه خیزترین کار در ایران محسوب میشود.

اتحادیه آزاد کارگران ایران با اعلام ازجار از وضعیت موجود که در آن سود و سودآوری سرمایه بر جان انسانها ارجحیت دارد و نوجوان ۱۵ ساله ای مجبور به

بازداشت و بخیری از فعالین سیاسی

نیروهای امنیتی - اطلاعاتی جمهوری اسلامی در هفته گذشته دو نفر را به نامهای «جلال ناصری» و «قاسم رحیمی» را در بوکان بازداشت و به اداره اطلاعات شهر مهاباد منتقل کرده اند.

همچنین روز پنج شنبه ۲۱ مهر ماه سال جاری یک دانشجوی دانشگاه پیام نور شهر مریان بنام «رحیم باجور» از سوی ستاد خبری وزارت اطلاعات احضار و در همان مکان بازداشت شده است.

یک دانشجوی دیگر بنام خبات عارفی از اهالی روستای «چور» مریان مدت یک ماه است که در زندان اداره اطلاعات این شهر زندانی و از وضعیتش خبری در دست نیست..

بها الدین شهابی اهل سقز از طرف دادگاه انقلاب اسلامی به زندان محکوم شد.

بها الدین شهابی اهل سقز از سوی دادگاه انقلاب اسلامی به اتهام همکاری با یک حزب مخالف به تحمل یک سال حبس محکوم شد. نامبرده که پیشتر نیز مدتی را در بازداشت بسر برده و با قرار وثیقه از زندان آزاد شده بود، روز پنج شنبه گذشته جهت گذراندن دوران محکومیت، خود را به زندان مرکزی سقز معرفی نمود*.

ادامه در صفحه ۴

همکار نشریه ایسکرا: آوات فرخی

E-Mail: awat.farokhi@yahoo.com

از صفحه ۱ در حمایت از کارگران ...

مراکز کارگری دیگر در مجموع حدود ۱۰ سالی مشغول به کار بودم.

ایسکرا: قرار است روز ۴ آبان مصادف با ۵ نوامبر روزی در حمایت از کارگران زندانی باشد، شما در این زمینه فعالیتهایی داشته و دارید، چرا یک روز ویژه به کارگران زندانی اختصاص داده شده است؟

ف. قربانی: به نظر من نباید تنها یک روز ویژه را در حمایت به کارگران زندانی اختصاص داد بلکه بایستی در طول مبارزه ای که ما داریم انجام میدهم و تلاش میکنیم برای یک زندگی بهتر و یک زندگی شاد و مرفه برای همه به وجود بیاوریم بایستی در طول این مدت از تمام کارگران و طبقه کارگر حمایت کنیم و بخصوص فعالین و پیشروان کارگری که در حال حاضر در زندان هستند، ولی به سوال شما برگردم ما این روز را به این دلیل انتخاب کردیم که توجه توده های مردم و همچنین حمایت آنها را هر چه بیشتر در حمایت از کارگران جلب کنیم و بتوانیم در این روز صدای این عزیزان را هر چه رساتر به گوش مردم جهان برسانیم و در این روز بگویم با اینکه در قرن ۲۱ هستیم ولی هنوز در ایران احکام سنگین اعدام و شکنجه و زندان فقط و فقط به دلیل حق خواهی و دفاع از حق انسانی صادر میشود و جمهوری اسلامی به شکل و حشیانه ای بر علیه انسانیت مبارزه میکند و چگونه انسانهای شریف جامعه ایران را مانند این پیشروان و فعالین کارگری از جمله رضا شهابی، بهنام ابراهیم زاده، ابراهیم مددی، شاهرخ زمانی، محمد جراحی و دهها و صدها تن دیگر از فعالین کارگری و سیاسی را به بهانه های واهی دستگیر و روانه زندان میکند و سعی دارد با زندانی کردن این فعالین و پیشروان کارگری طبقه کارگر را از پیشرویهایش باز دارد و بیشتر از هر دوره دیگری تفرقه در میان طبقه کارگر بوجود آورد و بتواند از کرده کارگر کار بیشتر کشیده و سود بیشتری به جیب بزند. ما این روز را نتخاب کرده ایم که به کارگران زندانی بگویم که شما تنها نیستید بلکه تمامی انسانهای آزادی خواه و برابری طلب از شما حمایت

میکند و با شما هستند و به همین دلیل ما در روز ۵ نوامبر برابر با ۴ آبان را برای یک اکسیون اعتراضی اعلام کرده ایم.

ایسکرا: اشاره کردید به اسامی کارگران زندانی لطفا برای خوانندگان نشریه توضیح دهید که چرا این کارگران در زندان هستند؟

فرامرز قربانی: این کارگران فقط به دلیل اینکه خواهان این هستند که یک تشکل مستقل کارگری داشته باشند و بتوانند خودشان تعیین کنند که چقدر دستمزد داشته باشند، به دلیل اینکه خواهان افزایش دستمزد هستند، به دلیل اینکه بر علیه فقر و فلاکت اعتراض می کنند، به دلیل اینکه همیشه حکم اخراج روی سرشان نباشد و همیشه نگران این نباشند که زمانی بیکار و شرمند همسر و بچه هایشان شوند و در کل فقط میخواهند یک زندگی انسانی داشته باشند.

این دلایل واقعی و برحق است. در هیچ کجای دنیا نمیتوان کسی را بر اساس این دلایل محکوم و به زندان انداخت اما جمهوری اسلامی که از همان اوایل به قدرت رسیدنش با صدور اتهامات واهی بر علیه فعالین کارگری و انسانهای آزادی خواه و برابری طلب، آنها را به اقدام علیه امنیت ملی، اقدام بر علیه نظام و ولایت فقیه، شرک گفتن به خدا و دهها و صدها اتهام واهی دیگری که به روز مبینیم به تمامی معترضان در جامعه میزند و آنها را به اعدام، شکنجه، زندان و... محکوم میکند و ما هم اکنون شاهد هستیم در طی یک ماه گذشته شاهرخ زمانی را به ۱۱ سال، محمد جراحی را به ۵ سال، ساسان وهابی و ش را به زندان محکوم کرده است.

ایسکرا: بله تشکر میکنم از اینکه تصویری دادید که واقعا هر انسانی وقتی به وضعیت خانواده کارگری که تنها منبع درآمدشان از کار تنها نان آور خانواده است و اکنون در زندان بسر می برد فکر می کند، نه تنها این مشکلات بلکه واقعا میشود دید که خانواده ها تحت چه شرایط مشقت باری قرار دارند.

شما اشاره کردید که در روز ۴ آبان برابر با ۵ نوامبر قرار است اعتراض سراسری صورت بگیرد، معمولا شکل شناخته شده این اعتراضات تجمع و تظاهراتهایی است که در مقابل سفارت خانه های جمهوری اسلامی در کشورهای مختلف برگزار می شود. در ایران مردم چگونه میتوانند در پشتیبانی از کارگران زندانی و خانواده هایشان شرکت کرده و از آنها حمایت کنند؟

فرامرز قربانی: به نظر من مردم نه تنها در این روز بلکه در تمام روزهای دیگر میتوانند حمایت کنند بنظر من بایستی مردم در ایران حمایت مالی خودشان را از خانواده این فعالین و پیشروان کارگری انجام بدهند بلاخره این کارگرانی که اکنون در زندان هستند نان آور خانواده هایشان بوده اند و قبلا این عزیزان که در زندان نبودند میرفتند سرکار و غروب که برمیگشتند با فروش نیروی کارشان به سرمایه داران و پیمانکاران سود جو و با دستمزد ناچیزی که دریافت میکردند میتوانستند شکم خود و خانواده هایشان را تاحدی سیر نگه دارند و زنده بمانند الا این دستمزد ناچیز و بخور و نمیر هم با زندانی شدن کارگران قطع شده و به همین دلیل این خانواده ها به کمک مالی نیاز دارند و بایستی مردم از این خانواده ها حمایت کنند، به دیدارشان بروند نگذارند تنها بمانند و خانواده ها احساس نکنند که تنها هستند بلکه یک جامعه که خواهان آزادی و مدافع انسانیت است حمایتشان میکنند، به سازمانها و نهادهای بین المللی و حقوق بشری نامه و ایمیل بفرستند و خواهان این باشند که به دولت جمهوری اسلامی فشار بیاورند که این پیشروان و فعالین کارگری را آزاد کند. بایستی به اتحادیه ها، سازمانها و احزاب مدافع حقوق کارگر نامه بفرستند و خواهان حمایت از کارگران و محکوم کردن جمهوری اسلامی شون. بسوی قوه قضایه جمهوری اسلامی سیل نامه و ایمیل های اعتراضی را براه بیاندازند و خواهان آزادی این عزیزان شوند، در این روز عکس این فعالین را به در و دیوار شهر و محل کار خود بچسبانند و اعلام کنند که اینها نماینده های ما هستند که بایستی قانون را وضع کنند این

از صفحه ۳ اخبار ...

فرزندم زانیار و برادرزاده ام لقمان را به آنها ابلاغ کرده، البته این ابلاغیه بصورت کتبی نبوده و به صورت شفاهی به آنها گفته شده است. اما اطلاع نداریم که تاریخ اجرای حکم را اعلام کرده اند یا نه؟ زیرا هیچ دسترسی به زانیار و لقمان نداریم.

ابلاغ حکم اعدام دو زندانی سیاسی

هفته گذشته دیوان عالی کشور حکم اعدام زانیار و لقمان مرادی را بصورت شفاهی به این دو زندانی در زندان رجایی شهر ابلاغ کرد.

این حکم را قاضی صلواتی روز اول دی ماه سال گذشته در دادگاه شعبه ۱۵ انقلاب صادر کرد و طی این حکم، زانیار و لقمان مرادی به اتهام عضویت در حزب کومله و دست داشتن در ترور پسر امام جمعه مریوان در سال ۸۸ به اعدام محکوم شدند. اما این دو زندانی بعد از انتقال به زندان رجایی شهر در دو "رنجنامه" جداگانه اتهام ترور فرزند امام جمعه را تکذیب و بیان کردند که مجبور به اعترافات ساختگی شده اند.

اقبال مرادی، پدر زانیار با تایید خبر حکم اعدام از سوی دیوان عالی کشور می گوید: "متأسفانه ما با خبر شدیم که دیوان عالی کشور حکم اعدام

بر اثر تیرانداز ماموران سپاه پاسداران دو نفر از کارگران مرزی زخمی شدند

روز شنبه ۲۳ مهرماه کاروانی از کارگران مرزی در مرز "گانی ره ش" از توابع سردشت مورد حمله نیروهای سپاه پاسداران رژیم اسلامی قرار گرفتند و دو نفر به نامهای محمد علاءالدین و حسین شهرامی بر اثر تیراندازی سرکوبگران سپاه پاسداران زخمی شدند. همچنین نیروهای سپاه غارت تعدادی از چهارپایان و وسایل دیگر آنان که تنها منبع درآمد زندگی خود و خانواده هایشان است پرداختند.*

Free jailed workers in Iran

Ebrahim Madadi
Reza Shahabi
Shahrokh Zamani
Behnam Ebrahimzadeh
Rasoul Bodaghi

Shahrokh Zamani Reza Shahabi

Ebrahim Madadi Rasoul Bodaghi Behnam Ebrahimzadeh

FREE THEM NOW!

توانند حمایت کنند و مطمئنا مردم ابتکارات خاص خودشان را دارند و می توانند با ابتکاراتی که بکار می برند بهترین حمایتها و بزرگترین دفاع را از این فعالین و پیشروان کارگری انجام دهند.

کارگرانند که بایستی جامعه را رهبری کنند و به هر طریقی که میتوانند حمایت خودشان را از فعالین کارگری در بند انجام دهند و در زمانی که دادگاه این فعالین تشکیل می شود، در مقابل این بیادگاهها تحصن کنند اعتراض کنند و خواستار آزادی فعالین کارگری شوند و به هر شکلی که می



"لیست استالین" قسمتی از بخش دوم در نوشته منصور حکمت تحت عنوان "ملت، ناسیونالیسم و برنامه کمونیسم کارگری".

ایسکرا

"لیست استالین"

استالین تنها کسی نیست که تعریفی از ملت و لیستی از مشخصات آن بدست داده است. اما شروع کردن از استالین از این نظر مفید است که اولاً اساس فرمولبندی او تبیینی است که چپ با آن آشناست و خواهی نخواهی تحت تاثیر آن است و ثانياً، لیست استالین يك لیست التقاطی کمابیش جامع از عمده مشخصاتی است که پیشینیان او برای ملت‌ها بر شمرده‌اند. استالین از این درجه التقاط برخوردار بوده است که بتواند فاکتورهای را که بعضاً حتی با هم تناقض دارند زیر چتر يك فرمول و يك نظریه واحد در مورد مقوله ملت گردآوری کند.

ملت چیست؟ به روایت استالین ملت به مردمی اطلاق میشود که "در يك روند تکامل تاریخی و به شیوه ای با ثبات، زبان مشترک، سرزمین مشترک، حیات اقتصادی مشترک، و سیما و قالب روانی مشترکی یافته اند که در يك فرهنگ مشترک بازتاب مییابد". استالین البته یادآور میشود که ملت بعنوان يك محصول تاریخ، ابدی و ازلی نیست، دستخوش تغییر میشود و آغاز و پایانی دارد. هیچیک از این مشخصات، از نظر استالین، به تنهایی برای ملت نامیدن این یا آن مجموعه مردم کافی نیست. اما غیبت هر يك به تنهایی برای سلب عنوان ملت از آنها کافی است. با این مانور تحلیلی، استالین میکوشد، به طرز ناموفقی، گریبان خود را از این مشکل خلاص کند که بر مبنای هر يك از تك مولفه ها، ترکیب ملی جهان و لیست ملل واقعی، چه

"لیست استالین"

آنوقت و چه امروز، چیز دیگری غیر از ترکیب کنکرت و آمپریکی که عملاً دارد از آب در میآید. استالین خود مثالهایی را که تك مولفه های او را رد میکنند میشناسد و بعضاً ذکر میکنند. اما مشروط کردن صلاحیت ملی به برخورداری از جميع این خواص نه فقط نقص هر تك مولفه را جبران نمیکند، بلکه ناخوانایی تعریف ملت با واقعیت کنکرت را به مراتب چشمگیر تر میکند.

فاکتور زبان، ملت بودن مردم کشورهای "با ثبات و تاریخا شکل گرفته" چند زبانی مانند سوئیس، بلژیک، ایالات متحده امروز، کانادا، فرانسه، اسپانیا، بریتانیا، و بخش زیادی از کشورهای قاره های آفریقا و آسیا را زیر سوال میبرد. جالب توجه است که برای مثال در مقطع وحدت ایتالیا و پیدایش ملت واحد ایتالیا، تنها دو و نیم درصد مردم به این زبانی که امروز ایتالیایی نامیده میشود تکلم میکردند. از طرف دیگر نه فقط ملت‌های چند زبانی، بلکه زبان‌های چند ملتی در دنیا فراوان است. يك نگاه ساده به نقشه جهان نشان میدهد که دامنه کاربرد زبان‌های انگلیسی و فرانسه و اسپانیایی بعنوان زبان اول و زبان "خانگه" مردم چقدر وسیع و جهانی است.

این ملاحظات تازه با این فرض است که خود مقوله زبان با دقت ریاضی قابل تعریف باشد، که در واقعیت امر چنین نیست. برای مثال میتوان پرسید آیا صربها و کرواتها به دو زبان مختلف سخن میگویند؟ و باز، مدافعان تشکیل کردستان واحد بعنوان اثبات ملت بودن کردها از جمله به وجود يك زبان مشترک استناد میکنند، حال آنکه بعضی تحلیلگران غربی عدم تشکیل تاکنونی کشور کردستان را از قضا به فقدان يك زبان کردی مشترک ربط میدهند. يك ناسیونالیست آلمانی دو آتشه که تعلق قومی و اشتراك در زبان را ملاک هویت ملی خویش قرار میدهد، باید طاقت داشته باشد که یهودیان اشکنازی را که به زبان یدیش تکلم میکنند (که شاخه ای از آلمانی قدیم است) بعنوان آلمانی

های اصیل برسمیت بشناسد.

فاکتور زبان کمک زیادی نه به تعبیر استالین و نه به درک مساله ملت نمیکند.

مقوله سرزمین، به همین درجه پیچیده است. نه فقط اقوام و ملیتهای مختلف در سرزمینهای مشترکی زیسته اند و به نوبت بر آن حکم رانده اند و یکدیگر را به اینسوی و آنسوی کوچانده اند، بلکه با رشد جمعیت دنیا و با گسترش تحرك و تردد و مهاجرت انسانها در پهنه جهان، هر تعریف ملی مبتنی بر اشتراك در سرزمین باید هر ساله مورد تجدید نظر قرار بگیرد. طول و عرض کره زمین ثابت است. انسانها

اما، آنها با شتاب های مختلفی در میان اقوام و ادیان گوناگون، دائماً بر تعدادشان افزوده شده و میشود. در اکثریت کشمکشهای ملی امروز، جدال بر سر سرزمین و دعای ارضی، يك موضوع اصلی مورد مشاجره است. فلسطین يك نمونه برجسته است، اما ابداً منحصر بفرود نیست. سرزمین مورد نظر ناسیونالیسم کرد، بعضاً همان خطه مورد علاقه ناسیونالیسم ارمنی است. تلاش یوگسلاوی و کشمکشی که بر سر ملیت هر متر مربع در بوسنی هرزگوین در جریان است، نمونه های زنده و حی حاضر بیشتری بدست داده است. ملاک سرزمین بخصوص با نمونه یهودیان در دوران استالین، که فاقد سرزمین واحدی به نام خویش بودند، مقابل قرار داده میشود. با ملاک استالین، یهودیان بنا بر فقدان سرزمین مشترک، يك ملت نبودند. برای نظریه پردازان دیگری مثال "ملت یهود" متقابلاً ردیه ای بر ملاک سرزمین (و البته همچنین زبان) در تعریف ملت است.

تعبیر استالین از ملاک زندگی اقتصادی مشترک و پیوند اقتصادی درونی بسیار مبهم و بخصوص بشدت غیر مارکسیستی است. از یکسو در بحث جنبشهای ملی، عروج ملت را محصول عصر سرمایه داری اعلام میکند و از سوی دیگر ملاک پیوند اقتصادی را به دوران پیش از پیدایش سرمایه داری تسری میدهد و با این ملاکها در دنیای قبل از سرمایه داری نیز

دست به کار رد و قبول اعتبار نامه های ملی مردم مختلف میشود. برای مثال در رد ملت بودن گرجی ها (علیرغم زبان و سرزمین مشترک) به فقدان يك همبستگی و چسبندگی اقتصادی در میان مردم گرجستان در دوره سرواژ استناد میکند. اگر مقوله بازار داخلی در دوران سرمایه داری را بتوان بعنوان مبنایی برای زندگی اقتصادی مشترک و منفک از دیگران تعریف کرد (که خود جای بحث دارد) "زندگی اقتصادی مشترک" و "پیوند اقتصادی درونی" در دوران سرواژ یا در نظامی فاقد يك سیکل مبادله کالایی گسترده میان جمعیت، دیگر ابداً قابل درک نیست.

تا آنجا که به سرمایه داری مربوط میشود، اقتصاد مشترک، و بازار داخلی، جدا از مقوله دولت واحد قابل بحث نیست. اگر چنین دولتی وجود داشته باشد، اگر مردمانی واقعا به تشکیل دولت "خویش" در يك رابطه اقتصادی کاپیتالیستی نائل شده باشند، آنوقت به همین اعتبار، ملت بودنشان فی الحال مسجل شده است و ارجاع به ملاک دیگری اصولاً ضرورت نمی یابد. ملاک اقتصاد مشترک به این اعتبار يك ملاک زائد و از نظر تنوریک گمراه کننده است که عملاً کل موضوع تعریف ملت را دور میزنند.

و بالاخره فاکتور آخر استالین، مقوله کارآکتر و مشخصات روانی مشترک (فرهنگ مشترک) است. این شاید دلخواهی ترین و غیر علمی ترین بخش تعریف است که از اساس کل مساله تعریف ایزکتیو ملت را لوٹ میکند. استالین مینویسد:

"البته مشخصات روانی یا عبارتی "کارآکتر ملی" برای ناظر خارجی قابل تعریف نیست. اما تا آنجا که خود را در يك فرهنگ مشترک خاص آن ملت به ظهور میرساند، مقوله ای قابل تعریف است و انکار بردار نیست."

این مقوله دریچه ای برای ورود اختیاری ترین دسته بندی هاست. نژاد، قومیت، مذهب، مجدداً از این دریچه وارد بحث میشوند، چرا که هر يك آشکارا عوامل مشروط کننده ذهنیت و روانشناسی افراد

هستند. قائل بودن به يك "فرهنگ ملی" فراطبیقاتی که ذهنیت و موقعیت روانی انسانهای متعلق به يك ملت را کلاً از سایرین متمایز میکند بشدت غیر مارکسیستی، غیر واقعی و خیالی است. استالین مشخصاً از اختلاف کارآکتر ملی آمریکایی ها و انگلیسیها، علیرغم زبان مشترکشان، سخن میگوید. دنیای ذهنی کارگر آمریکایی، به زعم استالین شباهت بیشتری با ارباب صنایع این کشور دارد تا با کارگران ایرلندی و انگلیسی.

قائل بودن به نوعی معنویات مشترک در میان آحاد يك ملت، فرمولاسیون های دیگری هم داشته است. "تاریخ مشترک"، "خودآگاهی ملی"، "هویت ملی"، مقولاتی است که کمابیش به همان روانشناسی مشترک استالین اشاره میکنند. در تمام این فرمولها، آنچه عیان است، خصلت فوق العاده پروپلماتیک خود این مقولات و مولفه هاست. بقول ارنست رنان عوضی گرفتن تاریخ خویش (و یا باید گفت تاریخ بافتن برای خویش) خود جزو مشخصات ملت بودن است. توضیح دادن ملت بر مبنای معنویات مشترک، تاریخ مشترک، حافظه تاریخی و کارآکتر ملی مشترک توضیح دادن اساطیر با اساطیر است. عینت و قابل ارجاع بودن مفاهیمی چون تاریخ، فرهنگ، روانشناسی و امثالهم خود باید بدوا اثبات شود.

ملت و تاریخ

مشکل اساسی تر تعبیر استالین و تعبیر نوع استالین از مقوله ملت، خصلت غیر تاریخی و جامد آنهاست. استالین البته ملت را يك مقوله "تاریخا شکل گرفته" مینامد. جمود این فرمول، علیرغم اشاره به نقش تاریخ در شکل دادن به مقوله ملت، در تعبیر "تکاملی" و شبه بیولوژیکی است که از ملت و نحوه پیدایش تاریخی آن بدست داده مرکب دیده میشود (با زبان مشترک، سرزمین مشترک و ...) که تاریخ گام به گام اجزاء آن را بدست میدهد و مقدمات خلق آن را فراهم میکند. وقتی این آفرینش صورت گرفت، وقتی تاریخ محصول نهایی

"لیست استالین"

از صفحه 5

خود را بصورت یک ملت ساخت و سنتز کرد، ملت دیگر بیرون تاریخ، نظیر یک عمارت، یا یک جانور تاریخا شکل گرفته، حیات و موجودیت مستقل و قائم به ذات خود را پیدا میکند. ملتها تاریخا خلق میشوند و "خلق شده" میمانند. به نحوی که ناظر خارجی میتواند براندازشان کند و مشخصاتشان را بشمارد. درست همانطور که میتوان یک اردک را، بعنوان یک محصول تاریخ طبیعی، بر مبنای مشخصاتش توصیف کرد.

ملتی که به این نحو خلق میشود و مشخصاتش را از تاریخ دریافت میکند، دیگر ظاهرا از پروسه تاریخی بی نیاز میشود و از گردونه "تکامل" بیرون می افتد. چنین درکی عمیقا مکانیک و بخصوص از ریشه غیر مارکسیستی است. ملت به هر شکل که تاریخا پیدا شده باشد، باید در زندگی معاصر جوامع مدام از نو بازتولید شود. باید ابقاء شود. آن چه مکانیسمی است که حس ملی و تلقی مشترک از تاریخ خویش، زبان مشترک، سرزمین مشترک، اقتصاد مشترک و شاخص دیگر ملت بودن را محفوظ میدارد و بازسازی میکنند؟ در تعبیر مکانیکی ملت این پروسه مورد اشاره نیست. برای مارکسیسم، برای مثال، طبقه یک مقوله محوری در تبیین جامعه است. طبقات کارگر و بورژوا هم محصول تاریخ هستند. اما در هیچ مقطعی کار تاریخ با آنها تمام نمیشود. تمام داستان جامعه سرمایه داری داستان بازتولید و بازآفرینی کارگر و سرمایه

دار بعنوان کارگر و سرمایه دار در متن مناسبات اجتماعی و سیر هر روزه تاریخ است. ملت نیز به طریق اولی چنین است. شرایط ملت بودن و ملت نامیده شدن توده های مختلف مردم هر روز در متن تاریخ معاصر، و نه گذشته، باز تولید میشود. پروسه "تعریف یک ملت" یک پروسه علمی نیست، یک اتفاق مادی است که در قلمرو اقتصاد و سیاست و ایدئولوژی هر روز از نو رخ میدهد. دقیقا به همین دلیل است که ملت آغاز و پایانی دارد.

در هیچ جای این بحث ما منکر این واقعیت نشده ایم که مردم مشخصات نژادی، زبانی و قومی قابل تعریفی دارند، در سرزمین های مختلفی زندگی میکنند، فعل و انفعالات اقتصادی و اجتماعی و معنوی میان انسانها در جهان آنها را بصورت تجمع ها و تمرکزهای محلی و منطقه ای، که در هر یک زبان و رسوم خاصی رواج بیشتری دارد، گرد هم آورده است. آنچه مورد نقد است مقوله ملت است. اگر از ما پرسند آیا هر نژاد، یا هر قوم یا متکلمین به هر زبان خاص یا ساکنین هر سرزمین معین "حق" دارند کشور خود را تشکیل دهند، بیشک پاسخ ما منفی است. این مقولات منشاء و توجیهی برای تعریف یک مجموعه و موجودیت مجزای انسانی در تمایز با بقیه نیست. اهمیت مقوله ملت در اینست که این تفکیک را بوجود میاورد، مجاز میکند و مشروعیت میبخشد. تعلق ملی بنا بر این اسم دیگری برای قومیت و نژاد و زبان مشترک نیست. عنوانی براط ترکیب همه این مشخصات در یک مجموعه

واحد انسانی نیست. بلکه یک تعبیر مجازی و اختیاری، یک پرچم سیاسی، برای تبدیل این مشخصات، و در اغلب موارد فقط یکی از آنها، برای ایجاد تمایز سیاسی و کسب حقوق سیاسی و کشوری متفاوت از سایرین است.

نه فقط ملت، بلکه جدولبندی هایی از نوع تعاریف استالین هم محصول تاریخند. در نوشته استالین این واقعیت کاملا به فراموشی سپرده میشود که لیست او در واقع کلکسیونی از مولفه ها و مشخصات ملی است که در مقاطع مختلف در تاریخ، توسط جریانات اجتماعی مختلف و در اغلب موارد در تضاد و تقابل با هم طرح شده اند. آن جریانات اجتماعی که تاریخا ملت را با زبان مشترک تعریف کردند و خواهان تشکیل ملتها از مردم همزبان شده اند خود را در مقابل مدافعان نظریه ملت بر حسب سرزمین و یا بخصوص ملت بعنوان یک موجودیت اقتصادی، یافته اند. اینها پرچم های ناسیونالیسم های مختلف و بخشهای مختلف جوامع گوناگون هستند که در پروسه تاریخی واقعی با پراتیک خود ملتهای موجود را شکل داده اند و حراست میکنند. این پروسه و این پراتیک هیچ جا تمام نشده و نمیشود. این پراتیک دائما ادامه دارد، ملتهای قدیم را باز تولید میکند، برای پیدایش ملتهای جدید تلاش میکند، تعابیر مختلف از ملاکهای اصالت و برتری و حقوق ملی را مقابل هم قرار میدهد و در ذهن توده مردم میکارند.

ملاکهای استالین پرچم ناسیونالیسمهای مختلف و کشمکشهای اجتماعی و سیاسی گوناگون بوده اند و هستند. انقلاب فرانسه، برای مثال، در تعریف انسان فرانسوی، "عضو ملت فرانسه"، ایدا ملاک قومیت، کارآکت ملی و حتی فرانسوی زبان بودن را مبنا قرار نداد. پذیرش وظایف و حقوق شهروندی فرانسه، تنها ملاک بود. تکلم به زبان فرانسه، یعنی زبان رسمی کشور، قاعده ای بود که هر فرانسوی و عضو ملت فرانسه

مستقل از زبان مادری اش میبایست بعدا رعایت کند. مرتبط کردن ملیت به زبان و قومیت و بعدا اصل و نسب، در مقابل ملت سازی از نوع انقلاب فرانسه قرار میگیرد. تعریف ملت آلمان بر حسب سرزمین، و یا بر حسب زبان، شاخه های مختلفی در ناسیونالیسم آلمانی را تعریف میکند و مجموعه های مختلفی را بعنوان ملت آلمان به رسمیت میشناسد. تاکید بر مولفه اقتصادی در تعریف یک ملت نیز اساسا پرچم جنبش ناسیونال - لیبرالی ای بوده است که با کمترین ملاحظه قومی و زبانی و نژادی، مللی را به رسمیت شناخته است که قادر باشند مبنایی برای یک اقتصاد ملی بورژوازیی قرار بگیرند و محملی برای استقرار دولت واحد و توسعه سرمایه داری باشند. در این مکتب که از نیمه قرن ۱۹ تا نیمه قرن بیستم عملا ذینفوذترین جریان ناسیونالیستی بود، همزبانی، اشتراک در قومیت و تاریخ و هویت ملی نقش چندانی بازی نمیکند. هدف، اتفاقا، ادغام مردم از اقوام و نژادها و زبانهای مختلف در مجموعه های به اندازه کافی بزرگ ملی و کشوری بود که بتواند بعنوان ظرف سیاسی و اداری برای توسعه سرمایه داری و انباشت سرمایه عمل کند. برخلاف ناسیونالیسم قومی،

یعنی ناسیونالیسمی که از جمله بر اشتراک زبان پافشاری میکند، ناسیونالیسم لیبرالی متحد کننده و ادغام کننده اقوام مختلف بوده است.

به همین ترتیب میتوان به شعارها و عملکرد های شاخه های دیگر ناسیونالیسم دقت کرد. ناسیونالیسم در اروپای غربی با ناسیونالیسم اروپای جنوبی و شرقی معضلات و عملکرد و مسیر یکسانی نداشته است. ناسیونالیسم ضد استعماری کشورهای عقب مانده و مستعمرات سابق که در نیمه دوم قرن حاضر با هدف بازسازی و مدرنیزه کردن کشور خویش به میدان آمد، ناسیونالیسم خرده بورژوازیی و ضد امپریالیستی وایسگرا و سنتگرایی که بویژه در دو دهه اخیر در برخی کشورهای اسلام زده عروج کرد، هر یک امر خاصی را دنبال میکنند و ملاک خاصی در تعریف هویت "ملت خویش" بدست میدهند. چیدن این ملاکها از متن جنبش و حرکت تاریخی مدافع آنها و لیست کردن و از آن بدتر ترکیب آنها بعنوان مشخصات تاریخا تکامل یافته و ثابت یافته ملت ها، پشت کردن به هر مفهوم جدی ای از تاریخ و تحلیل تاریخی جامعه است.*

رفاه و خوشبختی همین امروز ممکن است

عامل فقر جمهوری اسلامی است. با سرنگونی این حکومت و با مصادره اموالی که سران رژیم، آیت اله ها، رانت خواران و میلیاردرها غارت کرده اند، میتوان بلافاصله آب و برق و گاز و طب و آموزش و پرورش را برای همه جامعه رایگان کرد. با میلیاردها دلاری که هر ماه صرف زندان و سرکوبگران میشود میتوان برای همه مردم مسکن مناسب ساخت. با کوتاه کردن دست امام جمعه ها و موسسات مذهبی از خزانه مملکت میتوان زندگی شاد و انسانی برای همه کودکان فراهم کرد. نیروی کار و متخصص و امکانات برای خوشبختی همه مردم وجود دارد. باید جمهوری اسلامی را از سر راه برداشت.

برای سرنگونی جمهوری اسلامی و ایجاد جامعه ای انسانی،
برای تحقق رفاه و آزادی و برابری،
به حزب کمونیست کارگری بپیوندید!



مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!